

"سپاس از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را قرار داد." آنعام/۱  
 -به آن درخت نگاه کن که دارای شاخه های تروتازه است.  
 -چگونه از دانه ای رشد کرد و چگونه درخت شد؟  
 -پس بحث کن (گفت و گوکن) و بگو این چه کسی است که میوه را از آن بیرون می آورد؟  
 -و به خورشیدی که پاره ی آتشش فروزان است، نگاه کن.  
 -در آن نوری و به وسیله ی آن گرمایی پراکنده است.  
 -این چه کسی است که آن را در فضا مانند آخگر پدید آورد؟  
 -آن همان خداست که نعمت هایش ریزان است.  
 -دارای دانشی سرشار (کامل) و نیرویی با اقتدار است.  
 -به شب نگاه کن، پس چه کسی ماهش را در آن به وجود آورد؟  
 -و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد؟  
 -و به ابر (ابریاه) نگاه کن ، پس چه کسی بارانش را از آن نازل کرد (فروفرستاد)؟

### ص. ۳ : نکات واژه نامه

-أَنْجَمٌ: ستارگان، مفرد: نَجْم = كَوَاكِبْ \*جمع نَجْم: أَنْجَمٌ، نُجُوم

-أَنْزَلَ: نازل کرد، حروف اصلی: ن ز ل

-أَنْعَمٌ: نعمت ها، مفرد: نِعْمَةٌ \*جمع نِعْمَةٌ: أَنْعَمٌ، نِعَمٌ

-أَوْجَدَ: پدید آورد، به وجود آورد، حروف اصلی: و ج د

-بَالِغٌ: کامل ≠ ناقص

-جَذْوَةٌ: پاره ی آتش = شَرَّرَةٌ

-دُرٌّ: مرواریدها، مفرد: دُرٌّ

-ذَا: ۱. هذا (این) ؛ ۲. دارای ..، با توجه به موقعیتش در جمله به یکی از سه صورت ذو، ذا و ذي به کار می رود.

-ذَات: دارای.. (مؤنث ذو)

\*اسم بعد از "ذو، ذَا، ذِي و ذَات" مضاف إليه است.

-ذَاكَ (ذَلِكَ): آن

-زَانَ: زینت داد، آراست، حروف اصلی: ز ي ن

-شَرَّة: اخگر، پاره ی آتش = جَذوة

-ضياء: روشنايي، نور، روشنی = ضوء ≠ ظلام، ظلمة

-عُصون: شاخه ها، مفرد: عُصن

\*جمع عُصن: عُصون، اُغصان

-عَيم: ابر باران زا، جمع: عُيوم

\*سحاب: ابر بدون باران

عَيم=سحاب، عُيوم=سحب

-قُل: بگو، فعل امر است، حروف اصلي: ق و ل

-مُسْتَعِرَة: فروزان، حروف اصلي: س ع ر

-مُنْهَمِرَة: ريزان، حروف اصلي: ه م ر

\*مُسْتَعِرَة و مُنْهَمِرَة و مُقْتَدِرَة اسم هستند، زيرا: ۱. مُ دارند. ۲. آخرشان ة است.

-نَضِرَة: تروتازه، حروف اصلي: ن ض ر

-هَمَّت: رُشد کرد، فعل ماضی، سوم شخص مفرد مؤنث است، حروف اصلي: ن م و / هو هَا. هي هَمَّت.

-يُخْرِجُ: درمی آورد، بیرون می آورد، اخراج می کند، فعل مضارع، حروف اصلي: خ ر ج /

ازحروف اصلي	ماضي: أَخْرَجَ	مضارع: يُخْرِجُ	امر: أَخْرِجْ	مصدر: إِخْرَاج	خارج کردن (مربوط به درس چهارم)
خ	ماضي: خَرَجَ	مضارع: يَخْرُجُ	امر: أَخْرِجْ	مصدر: خُرُوج	خارج شدن
ر	ماضي: تَخَرَّجَ	مضارع: يَتَخَرَّجُ	امر: تَخْرِجْ	مصدر: تَخْرِج	دانش آموخته شدن، فارغ التحصيل شدن
ج	ماضي: اسْتَخْرَجَ	مضارع: يَسْتَخْرِجُ	امر: اسْتَخْرِجْ	مصدر: اسْتِخْرَاج	استخراج کردن

والسلام

حقيقي